

۱۳۶ - حضرت نقطه و آیات عربیه

و نیز از حضرت نقطه در صحیفه العدل است قوله الاعلی . بدانکه امر خداوندی در هر شان اظهر من الشمس است و احدی را بر خداوند عالم جل عزه المتعالی حجتی نیست بعد از آنکه در ایام غیبت اختلاف بمنتهای رتبه رسید و قوایل بصفای مشعر توحید نزدیک گشته فرض است بر مقام رحمت خداوند عالم که از جانب حجت خود عبدی را با حجت وافیه منتخب و اظهار فرماید نآنکه سیل اختلاف را بنقطه وحدت برساند و همین قسم که اصل دین و اهل آن از عالم جسم ترقی نموده بهمین قسم آیات خداوندی هم از مقام حد بلانهایه ترقی نموده فرض است که حجت آن عبد از فوق عالم عقول که مقامات معرفت و تجرید است بوده باشد و از آنجائی که تصدیق این امر بر اغلب ناس صعب بوده این مقامات عظیمه را بمقام جسدیه کلمات آورده بشأنی که احدی قادر بمثل آن نباشد و حدی از برای آن قرار نداده تا آنکه بر کل موجودات حجت مثل شمس در وسط السماء باشد چه بسیار عجیب است صنع حضرت رب العزه و چه بسیار تام است قدرت او که در بحبوحه اختلاف دین عبدی را از اعجمین منتخب فرموده و لسان او را بآیاتی مفتوح فرموده بشانی که احدی قبل از آن سبقت بمثل آن نگرفته و در هر چه بخواهد و هر وقت تکلم می نماید بلا تأمل و مسطور میگرداند بلا سکون قلم از شدت تشابه آن بآیات الله احدی فرق نمی نماید... و تا حال آنچه که در کتاب عدل مشاهده شده چهار ده هزار آیه متقنه است و یک آیه آن در حجیت کفایت میکند اهل ارض را لاجل آنکه بفطرت محض من فضل الله از خزائن غیب جاری شده... چنانچه از یوم طلوع این امر الی الان بحق خداوندی که عالم است بکلشی یک آیه از احدی ندیده ام و از جسدی جحد کل آیات را نموده یک حدیث خواستم نتوانست بیاورد و ممتنع و محال است و اگر کسی هم کلماتی ترکیب نماید کلمات مسروقه است نه آنکه از فطره اله توانسته تکلم نماید و آنچه آورده از صور سچین است کسی میتواند مقابله با این امر نماید که مثل صاحب این کتاب قدرتی در او باشد که در جمیع عمر خود اگر بخواهد غیر از آیات تکلم ننماید... الا ان آیه مآ نزلتنا الیک فی ذلک الکتاب تعدل فی کتاب الله آیات النبیین و ما من بعد ذلک کل الخلق من حجج الله لیستلون... و اگر جمیع علماء بخواهند که در کتاب عدل و صحیفه حرمین یک حرف لحن و دو حرف بدون ربط پیدا نمایند بر قواعد کتاب الله و قوم هر آینه قادر نخواهند بود... و بدانکه خداوند عالم کسی را منتخب از برای دین حجت خود فرموده و حجتهای وافیه و براهین قاطعه بر ید او جاری فرموده که در اعجمین نشو و نما نموده و در این آثار حقّه نزد احدی تعلیم نگرفته بل امی صرف بوده در مثل این آثار... در عرض دوازده ساعت یک صحیفه محکمه بلا تأمل او قلم آن جاری میگردد و کدام حجّت ازین اعظم تر است که انسان بمقام روح مناجات که انس با محبوب است رسیده باشد... هر گاه ذیعلمی نظر بواقع کند میداند که چقدر امر صعب است مقاماتی که از فوق عالم عقول است اقرب از لمح یصر بعالم الفاظ که جسد است آوردن با ملاحظه ترتیب آن در ظاهر و باطن میداند که چقدر امر عظیم است بحق خداوندیکه قرآن را بر حضرت رسول (ص) نازل فرموده که یک مناجات با خداوند با فصاحت ظاهریه و ترتیب واقعیه اعظم از کل علوم و اکرم از کل طاعات است لا سیما وقتی که مقامات عالیه را بکلمات بدیعه ظاهر نماید هر که تتبع در صحیفهای صاحب این کتاب نموده میداند که معانی و الفاظی از ملاء غیوب بعالم ظهور آورده که در

هیچ یک از ادعیه مأثوره نیست... امروز بعد از طلوع قمر لائج از طرف مشرق که در حدیث حضرت امیر المؤمنین علیه السلام امر باتّباع آن شده بر کل فرض است طاعت و محبت او و اطاعت احکام آن .

و از حضرت بهاءالله در اثربست قوله تبارک و تعالی یا عبد حاضر بنویس بامین یا ابا الحسن نیر بطحاء و سید انبیاء روح ما سواه فداه من عند الله بر تمام من علی الارض مبعوث شد و احزاب مختلفه هر یک بلسانی ناطق و اختلافات در السن عالم واضح و مشهود و کل بر آن آگاه حق جل جلاله فرقان که فاروق بین حق و باطل بود بلغت عربی فصیح نازل و حجت بود بر عرب و عجم و ترک و احزاب مختلفه عالم و این لغت مؤثر و جامع است لذا از قلم اعلی اکثر احیان این لغت جاری و نازل و گاهی بلسان پارسی اصلی محدود بحدی نه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو المقدر القدیر .

و از حضرت بهاءالله در کتاب ایقان است قوله جل و عز قدری تفکر در اصحاب عهد نقطه فرقان نما که چگونه از جمیع جهات بشریه و مشتهیات نفسیه بنفحات قدسیه آنحضرت پاک و مقدّس و منقطع گشتند و قبل از همه اهل ارض بشرف لقا که عین لقاء الله بود فائز شدند و از کلّ اهل ارض منقطع گشتند چنانچه شنیده اید که در مقابل آن مظهر ذوالجلال چگونه جان نثار میفرمودند و حال همان ثبوت و رسوخ و انقطاع را بعینه ملاحظه فرما در اصحاب نقطه بیان راجع شده چنانچه ملاحظه فرموده اید که چگونه این اصحاب از بدایع جود رب الارباب علم انقطاع بر افراشتند باری این انوار از یک مصباح ظاهر شده اند و این اثمار از یک شجر روئیده اند فی الحقیقه فرقی ملحوظ نه و تغییری مشهود نه کلّ ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء من خلقه... اگر در آخر لا آخر طلعتی بیاید و قیام نماید بر امری که قیام نمود بر آن طلعت لا اول هر آینه صدق اول بر آخر میشود زیرا که طلعت آخر لا آخر قیام نمود بهمان امر که طلعت اول لا اول بر آن قیام نمود .